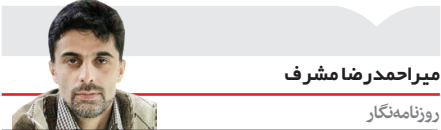




مروری بر نظرات «ویلیام جی. گیل» و «دارل ام. وست» دو تحلیلگر برجسته موسسه بروکینگز درباره احتمال بروز جنگ داخلی در آمریکا

واشننگتن بر لبه آتش



روزنامه‌نگار

پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و پیروزی بایدن، در ابتدا این تصور به‌وجود آمد که با سقوط ترامپ و خروج او از کاخ سفید، دوران آشفتگی سیاسی و اجتماعی در این کشور نیز به‌تدریج به پایان رسیده و اوضاع درونی ایالات‌متحده به روال عادی بازخواهد گشت، اما اکنون و پس از گذشت هشت‌ماه از روی کار آمدن بایدن، مسیر تحولات به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد چالش‌های داخلی این کشور فراتر از جنجال‌ها بر سر جابه‌جایی قدرت در راس کاخ‌سفید یا حتی جابه‌جایی قدرت میان دو حزب مسلط سیاسی این کشور بوده است. اینکه ترامپ به‌رغم آن همه جنجال‌سازی، نپذیرفتن نتایج انتخابات و طرح اتهاماتی در رابطه با تقلب گسترده، هنوز در کانون توجه و درصدر برخی نظرسنجی‌ها قرار می‌گیرد نیز جای تامل دارد. درواقع اگر بخواهیم به‌شکلی واضح‌تر و دقیق‌تر بگوئیم، این شخص ترامپ یا کاریزمای شخصیتی او نیست که باعث شده او همچنان در مدار قدرت باقی بماند، بلکه حرکت هنرمندانه او روی گسل‌ها و شکاف‌های اجتماعی درونی ورو به افزایش ایالات‌متحده، تضمین‌کننده این بقا بوده است. نمونه واضح این حرکت همین موج‌سواری اخیر ترامپ روی بحث مهاجرت است که وی زیرکانه و با تشبیه آمریکا به یک چاه فاضلاب که هر مجرم و جنایتکاری را درون خود جای می‌دهد، نظر مساعد مخالفان رویکردهای مهاجرت‌پذیر را جلب کرده است. اما نکته جالب‌تر شاید این باشد که ترامپ برای دستاویز قراردادن این شکاف‌ها و گسل‌ها، هیچ محدودیت و خط قرمزى هم قائل نیست و حتی از مطرح کردن بحث فروپاشی ایالات‌متحده نیز ابایی ندارد، چنانکه چندروز قبل صراحتاً اعلام کرد باتداوم شرایط فعلی تا سه‌سال دیگر آمریکایی وجود نخواهد داشت.
اماد شرایطی که ترامپ از شکاف‌ها و گسل‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌افزایش درونی آمریکا به‌عنوان اهرم بازگشت دوباره به قدرت استفاده می‌کند، جامعه‌شناسان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی آمریکا به‌شدت نگران پتانسیل‌های فروپاشی ایالات‌متحده از درون هستند. این افراد که حتی پیش از روی کار آمدن ترامپ این پتانسیل‌ها را درک کرده و نسبت به آن در قالب کتاب‌ها و تحلیل‌های مختلف هشدار داده بودند، اکنون شرایط را در مرز هشدار و خطر جدی دانسته و به هر دری می‌زنند تا جامعه و سیاستمداران را نسبت به پیامدهای آن آگاه کنند. در همین راستا «ویلیام جی. گیل» و «دارل ام. وست» دو دانشمند و تحلیلگر برجسته موسسه بروکینگز، اخیراً مقاله‌ای را منتشر کرده‌اند که در آن نسبت به احتمال حرکت ایالات‌متحده به‌سوی یک جنگ داخلی دیگر هشدار داده‌اند. آنچه در ذیل می‌آید تحلیلی است که این دو نفر در مورد چگونگی حرکت آمریکا به‌سوی این شرایط و پتانسیل‌های احتمال وقوع یک جنگ داخلی ارائه داده‌اند و در نهایت نیز کوشیده‌اند ضمن حفظ امیدواری، زنگ‌های خطر را نیز به صدا درآورده باشند.

افکار عمومی درمورد احتمال وقوع یک جنگ داخلی چه می‌گویند؟

آیا واقعاً این امکان وجود دارد که آمریکا در آینده‌ای نزدیک با شرایط وقوع یک جنگ داخلی روبه‌رو شود؟ اگر چه ممکن است این موضوع دور از ذهن به‌نظر برسد، با این حال نگرانی‌های فزاینده‌ای در این زمینه شکل گرفته است. براساس یک نظرسنجی ملی که به‌وسیله «جان زاگی» (نویسنده، سخنران و نظرسنج افکار عمومی در آمریکا) انجام شده، نشان داده شده که ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که احتمال وقوع یک جنگ داخلی در ایالات متحده در آینده نزدیک وجود دارد. این نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ میلادی انجام شد و نتایج آن نشان داد که ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که احتمال وقوع یک جنگ داخلی در ایالات متحده در آینده نزدیک وجود دارد. این نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ میلادی انجام شد و نتایج آن نشان داد که ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که احتمال وقوع یک جنگ داخلی در ایالات متحده در آینده نزدیک وجود دارد. این نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ میلادی انجام شد و نتایج آن نشان داد که ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که احتمال وقوع یک جنگ داخلی در ایالات متحده در آینده نزدیک وجود دارد.

آغاز ماجرا

ارتش رژیم صهیونیستی روز دوشنبه پانزدهم شهریورماه بدون انتشار تصاویر و ذکر نام افراد اعلام کرد، ۶ نفر از اسرای فلسطینی (۵ نفر وابسته به جهاد اسلامی و یک نفر وابسته به گردان‌های منحل شده الاقصی جنبش فتح) توانسته‌اند با حفر تونل از زندان جلبوع بگریزند. در همان روز مقامات ارتشد حماس و جهاد اسلامی از این «اقدام قهرمانانه» استقبال کردند و از عموم مردم فلسطین خواستند تمام تلاش خود را برای کمک به این اسرا و جلوگیری از دست یافتن رژیم صهیونیستی به آنها به عمل آورند. سران مقاومت فلسطینی همچنین این اقدام را «آغاز فصل جدیدی از حرکت به‌سوی قدس و مبارزه علیه اشغالگران» توصیف کردند. از ساعات اولیه اعلام این خبر موجی از شادی میان فلسطینیان ایجاد شد و رسانه‌های حامی مقاومت از این اقدام با عنوان نفق الحریه (تونل آزادی) یاد کردند، واته‌ای که به‌سرعت در صدر هشتک‌های رسانه‌های اجتماعی جهان اسلام قرار گرفت. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی که اولین روز سال عبری را جشن می‌گرفت با شوک بزرگی روبه‌رو شد.

خشم خفاش‌ها

نفتالی بنت، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که در روز حادثه، ملاقات‌های از پیش

ایالات‌متحده) انجام گرفته، مشخص شده که اکثریت قابل توجهی از آمریکایی‌هایی ۴۶ درصد بر این عقیده هستند که احتمال وقوع یک جنگ داخلی در آینده وجود دارد، در عین حال ۴۳ درصد آن را غیرمحتمل دانسته و ۱۱ درصد نیز از دادن پاسخ مطمئن عاجز بوده‌اند. نکته جالب این است که امکان وقوع جنگ از نظر افراد جوان (۵۳ درصد) درمقایسه با افراد مسن تر (۲۱ درصد) محتمل تر بوده است. در یک تقسیم‌بندی دیگر و بر مبنای جغرافیا، ساکنان جنوب (۴۹ درصد) و منطقه «مرکزی (دریاچه‌های بزرگ» (۴۸ درصد)، درمقایسه با مناطق شرقی (۳۹ درصد) باور بیشتری به احتمال وقوع جنگ داخلی داشته‌اند. در کنار این نظرسنجی‌ها از برخی اظهارات نیز نباید به‌سادگی عبور کرد؛ چنان که مدیسون کارتون، نماینده جمهوری خواه کارولینای شمالی، ادعاهای غلطی درمورد صحت انتخابات مطرح کرده و می‌گوید: «اگر سیستم انتخاباتی ما به فریبکاری اش ادامه دهد، این موضوع به سرانجامی جز خونریزی منتهی نخواهد شد. هیچ کاری برای من از این وحشتناک‌تر نخواهد بود که در برابر یک هموطن آمریکایی اسلحه‌ام را بردارم.»

ایالات‌متحده و ظرفیت‌های وقوع یک جنگ داخلی جدید
در نظرسنجی ذکرشده اخیر از مردم سوال نمی‌شود که چرا تصور می‌کنند احتمال جنگ داخلی وجود دارد یا اینکه جنگ در چه شرایطی می‌تواند رخ دهد، با این حال ما عقیده داریم نیروها و عواملی باعث شده تا مردم به‌سمت چنین باور غیرقابل تصویری جلب شوند.

مباحث جنجال بر انگیز

برابری نژادی، کنترل سلاح، سقط جنین، مشروعیت انتخابات، تغییرات آب‌وهوایی، واکسن، ماسک و لیست بلندبالایی که همچنان ادامه دارد، مباحثی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند که خشم و خشونت ایجاد می‌کنند. ما در حال حاضر «جنگ‌های مرزی» را به‌واسطه فدرالیسم شاهد هستیم؛ با ایالت‌هایی مواجهیم که قوانینی عمومی تصویب می‌کنند که با قوانین دیگر ایالت‌ها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. به‌عنوان مثال قانون جدید تگزاس عملاً

سقط جنین‌های بعد از هفته ششم بارداری را ممنوع اعلام می‌کند، درحالی که ایالت‌های دیگر همچنان چارچوب حکم دیوان در پرونده Roe v. Wade را حفظ کرده‌اند.
سطوح بالای نابرابری و قطبی شدن
ایسن مباحث جنجالی تاحدی متأثر از تقسیمات گسترده و درهم‌تنیده‌ای است که کشور را تحت فشار قرار می‌دهد. به‌واسطه جداسازی‌ها در مسائلی چون ایدئولوژی، نژاد، جنسیت، استانداردهای زندگی و فرصت‌هایی برای تعلیم و تربیت و پیشرفت اقتصادی، گروه‌های مختلف به‌شکل دراماتیکی نگرش‌های متفاوتی درباره خط‌مشی عمومی و جامعه آمریکا دارند. بسته به مباحث مطرح‌شده، تنوع نگرش‌ها نیز می‌تواند وسیع باشد.

وقتی همه چیز به برنده تعلق می‌گیرد

ترسیم دقیق دیدگاه‌ها به‌خودی خود نیازی به توقف عملکرد دولت ندارد؛ برای مثال تپا اونیل (رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا) و رونالد ریگان در انجام مذاکره و دستیابی به توافقات توانمند بودند، اما اتمسفر زهرآگین امروزی مذاکره بر سر مسائل اساسی و مهم را دشوار ساخته و شرایطی را رقم می‌زند که مردم از دولت فدرال خشمگین باشند. این موضوع به خلق رهیافتی در سیاست‌مبندی بر اینکه «همه چیز به برنده تعلق می‌گیرد» کمک می‌کند (کتابی با همین عنوان در آمریکا در سال ۲۰۱۵ به چاپ رسیده است). وقتی ریسک به این میزان بالا است، مردم تمایل پیدای می‌کنند تا از ابزارهای استثنایی و خاص برای رسیدن به اهداف‌شان استفاده کنند. وقتی میل به پیروزی بالاتر از هر ملاحظه دیگری قرار می‌گیرد، این موضوع ما به‌سوی سرزنش‌های نامعلوم سوق می‌دهد.

بازی غیرمنصفانه طرف مقابل

یکی از نگران‌کننده‌ترین نشانه‌های جنگ داخلی معاصر، گسترش این عقیده است که طرف مقابل ظلم می‌کند. به‌عنوان مثال لیبرال‌ها بر این اعتقاد هستند که محافظه‌کاران حق رای را محدود کرده،



دموکراسی را به خطر انداخته و رویه‌های قانونی و معمول را نادیده می‌گیرند. در مقابل محافظه‌کاران تصویری کیندرآیند فعلی به‌سوی سوسیالیسم و بی‌احترامی به ارزش‌های لیبرالیسم و آزادی در حال دگرگونی است. نگرستن دیگران یا سوطن شدیدونگاهی تردیدآمیز به اینکه حرکت‌هایشان‌ای از فرسودگی در ایمان و باورهای سیستم است، همگی از جمله دلایلی به‌شمار می‌آیند که چرا مردم در برخورد با یکدیگر چندان خوب نیستند.

رواج اسلحه

درحالی که گویا مشکلات بالا کافی به‌نظر نمی‌رسد، آمریکا تعداد فوق‌العاده‌ای سلاح و گروه‌های شبه‌نظامی شخصی (غیردولتی) دارد. براساس گزارش بنیاد ملی ورزش تیراندازی، که درواقع انجمنی برای تجارت اسلحه است، در ایالات متحده ۴۴۴ میلیون قبضه اسلحه گرم در اختیار غیرنظامیان قرار دارد؛ یعنی ۱/۳ سلاح به‌ازای هر شهروند آمریکایی. تسلیحات نیمه‌اتوماتیک نیز رقمی در حدود ۱۹/۵ میلیون قبضه را شامل می‌شود. همه اینها یک جمعیت به‌شدت مسلح‌شده با قابلیت‌های بالقوه خطرناک را در معرض نمایش می‌گذارد.

شبه‌نظامیان خصوصی

«راشل لوی» از وال استریت ژورنال می‌نویسد: «چندصد گروه شبه‌نظامی اکنون در سراسر کشور وجود دارد که در سال‌های اخیر تکثیر نیز شده‌اند.» شبه‌نظامیان فعلی عموماً توسط مردان راستگرای افراطی سفیدپوستی تشکیل شده‌اند که نگران تغییرات و دگرگونی‌های ساختارهای جمعیتی، دستمزدهای را کدوپیامدهای حرکت آمریکا به‌سوی یک جامعه چندنژادی و چندقومی، بر اوضاع خودشان هستند. این گروه‌ها پتانسیل خشونت را ایجاد می‌کنند؛ چرا که تمایل به جذب اشخاص افراط‌گرا دارند، اعضایشان را برای برخورد‌های خشونت‌آمیز تعلیم می‌دهند و از شبکه‌های اجتماعی برای تقویت باورهای عمومی بهره می‌برند. آنها آشکارا از شورش‌های مسلحانه صحبت به میان می‌آورند و برخی اعضای این سازمان‌ها



در حال حاضر نیز درگیر خشونت هستند و به دیگران در برنامه‌های تهاجمی و تیراندازی‌هایشان کمک می‌کنند.

در جست‌وجوی باقه‌هایی از امیدواری

جنگ داخلی هنوز هم می‌تواند اجتناب‌ناپذیر نباشد. به‌رغم فاکتورهایی که در بالا اشاره شد، جنگ داخلی غیرقابل اجتناب نیست. درواقع سناریوی جنگ داخلی با چند فاکتور محدودکننده نیز روبه‌رو است که برای توقف این نزاع در حال افزایش، تاحدی امیدوارکننده به‌نظر می‌رسد. در وهله اول باید گفت بیشتر نهادهایی که صحبت از جنگ داخلی به میان آورده‌اند، نهادهایی عمومی و دولتی نیستند. وقتی ایالت‌های جنوبی در دهه ۱۸۶۰ از دولت مرکزی جدا شدند، آنها از نیروهای پلیس، سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامیان تحت حمایت دولت برخوردار بودند. این شرایط متفاوت از امروز است که در آن بیشتر نیروهایی که برای جنگ داخلی سازمان یافته‌اند، ماهیتی عموماً خصوصی دارند. اما نکته مهم قابل توجه دوم این است که در شرایط فعلی و در مقایسه با زمان جنگ‌های داخلی، شکاف منطقه‌ای شخصی وجود ندارد. بر این اساس تفاوت‌های شهری و روستایی، آن هم در حدود ایالت‌هایی خاص وجود دارد. در عین حال درحالی که خاستگاه محافظه‌کاران جوامع روستایی است، شاهد سلطه پیش‌رونده شهرها هستیم. در کنار اینها، این وضعیت در قیاس با شرایطی که یک منطقه بتواند جنگی را بر منطقه‌ای دیگر تحمیل کند، تقسیم‌بندی جغرافیایی کاملاً متفاوتی دارد. شرایط فقدان یک تقسیم‌بندی جغرافیایی مشخص و یکنواخت، توانایی و قابلیت تقابل با دیگر حوزه‌ها، سازماندهی زنجیره‌های حمایتی و بسیج عمومی مردم را کاهش می‌دهد. در نهایت می‌توان به سابقه کاری صندوق‌های رای نیز امیدوار بود. به‌رغم اتهامات فزاینده و غلط جمهوری خواهان در مورد تقلب در انتخابات‌هایی که شکست خورده‌اند، آمریکا پیشینه حل منازعات از طریق ابزارهای سیاسی و انتخاباتی را دارد. اگر چه درجاتی از وخامت اوضاع در تضمین رویه‌های معمول و حمایت‌های دموکراتیک را شاهد هستیم، اما محکمت قانون همچنان قوی است و مقامات حکومتی برای مجازات کسانی که در اقدامات خشونت‌بار درگیر هستند، همچنان از موقعیت مستحکمی برخوردار هستند.

خطر جنگ داخلی را جدی بگیریم

ما انتظار داریم این فاکتورهای محدودکننده به کشور اجازه دهد تا از یک جنگ داخلی تمام‌عیار اجتناب کند. اما ازسوی دیگر با درنظر گرفتن این مهم که نیمی از مردم کشور به وقوع چنین احتمالی باور دارند، ما نیاز داریم این سناریو را جدی بگیریم. چنهم دهه ۱۸۶۰ هر چند گامی ضروری برای نجات ملت از بدگئی بود، اما چهارسال به‌طول در آن پنهان کنند و دفتر دیگر از اسرا نیز در صبح روز شنبه ۲۰ شهریور دستگیر شدند. اقتصاد، نظام سیاسی و جامعه به‌عنوان یک کلیت، بر جای گذاشت. آن واقعه یک نقض تکان دهنده اتحاد ملی بود که به‌وسیله برده‌داران رقم خورد و همچنین نمایشی بود برای آنچه پس از فروپاشی پایه‌های یک حکومت رخ می‌دهد. ما نباید تصور کنیم این رخداد دوباره تکرار نخواهد شد و علامت شومی را که نشان می‌دهد درگیری‌ها در حال خارج شدن از کنترل است، نادیده بگیریم. حتی اگر شرایط ما به یک نبرد آشکار منتهی نشود، این مسائل می‌تواند تروریزم محلی و خشونت‌های مسلحانه‌ای که کشور را به‌سمت بی‌ثباتی سوق می‌دهد، افزایش دهد. زمان آن رسیده که گام‌هایی برای حفاظت از دموکراسی برداریم، ملاحظات و نگرانی‌های اجتماعی را مورد توجه قرار دهیم و انبار باروت کنونی مان را خنثی کنیم.

بررسی آثار و پیامدهای فرار ۶ تن از اسرای فلسطینی از زندان صهیونیستی

چه راه‌هایی با «تونل آزادی» گشوده شد؟

آنها را به سازمان‌های بین‌المللی خواهند برد.

افزایش نگرانی‌های صهیونیستی

نگرانی مقامات نظامی و امنیتی صهیونیستی تا روز پنجشنبه به‌وج رسیده بود، فشارهای مقامات سیاسی برای یافتن اسرا به بالاترین حد ممکن رسید. تمامی امکانات نظامی، فنی، فردی و ماهواره‌ای این رژیم در خدمت یافتن اسرا قرار گرفت حال آنکه سرزمینی که تحت جست‌وجوی ارتش صهیونیستی بود تقریباً ۳ هزار کیلومتر مربع مساحت داشت (حدود یک پنجم استان تهران). جمعیت امور اسرا و آزادگان فلسطینی اعلام کرد: «در صورت ادامه فشار به اسرای فلسطینی اوضاع به‌طور کلی از کنترل خارج خواهد شد.» همزمان درگیری‌ها در مسجد الاقصی نیز افزایش یافت.
جورالیم‌پست نشریه صهیونیستی نوشت: «حتی ورود یکی از اسرای فلسطینی به کرانه باختری می‌تواند منجر به شعله‌ور شدن سراسر فلسطین شود.» در سوی دیگر معاری دیگر روزنامه صهیونیستی نیز اعلام کرد: «اگر نتوانیم تا روزهای آینده وضعیت را به حالت عادی بازگردانیم باید منتظر اوج گیری تنش‌ها در سراسر فلسطین حتی سرزمین‌های تحت سلطه تل‌آویو اشغالی باشیم.»

دستگیری‌های اولیه و واکنش‌ها

درحالی که فلسطینی‌ها روز جمعه ۱۹ شهریور در همبستگی با اسرای درند و حمایت از اسرایی که از جنگ صهیونیست‌ها فرار کرده بودند به خیابان‌ها آمدند، نیروهای صهیونیستی با حمله به آنها به زخمی کردن ده‌ها نفر و شهادت یک فلسطینی مبادرت کردند. همزمان اخبار و تصاویری از اعتراض، اعتصاب و آتش‌بسوزی در چند زندان رژیم صهیونیستی منتشر شد. روزنامه الاخبار لبنان نوشت دولت خودگردان فلسطینی

به رهبری محمود عباس به صهیونیست‌ها پیام داده که در دستگیری اسرای فراری با آنها همکاری خواهد کرد. عصر جمعه ۱۹ شهریورماه دو نفر از اسرای فلسطینی دستگیر شدند. جهاد اسلامی بلافاصله به شلیک چند فروند موشک به سرزمین‌های اشغالی اقدام کرد، در کرانه باختری نیز درگیری‌ها بین مردم خشمگین فلسطینی و ارتش اشغالگر به اوج خود رسید. با توجه به وسعت کم محدوده‌ای که اسرای فلسطینی باید خود را در آن پنهان کنند دو نفر دیگر از اسرا نیز در صبح روز شنبه ۲۰ شهریور دستگیر شدند. آخرین گام اما در بامداد روز یکشنبه ۲۸ شهریور رقم خورد؛ جایی که ۲ نفر باقی در شهرک مقاومت خیز «جنین» بازداشت شدند. در این عملیات البته ۲ تن از افرادی که با اسرا همکاری کرده بودند نیز دستگیر شدند.

پیامدهای حادثه تونل آزادی

هر چند نیروهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی توانستند اسرا را مجدد دستگیر کنند اما فضای رسانه‌ای و سیاسی این رژیم همچنان تحت تاثیر این حادثه، ملتهب است. در ادامه می‌توان مهم‌ترین دستاوردهای حادثه نفق الحریه را بدین‌ترتیب برشمرد:
۱. قرار گرفتن مساله اسرا در صدر مسائل فلسطین.
اساساً مساله اسرا یکی از ۵ ضلع اختلافی و بزرگ درگیری‌های مقاومت فلسطینی با اشغالگران است.
۲. فشارهای حقوق بشری و سیاسی بین‌المللی به تل‌آویو در اعتراض به سیاست‌های تهاجمی و سرکوبگرانه علیه اسرا، زندانیان و معتزضان.
۳. شکست هیمنه امنیتی تل‌آویو و اسفاهانه‌های شکست‌ناپذیری دستگاه‌های اطلاعاتی صهیوئستی.
۴. تقویت مقاومت به‌عنوان تنها راه‌هایی فلسطین، مبارزه با اشغالگران و آزادی قدس.
۵. اختلال در سیاست‌های تندروانه منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، چه آنکه بنی گانتز روز چهارشنبه ۲۴ شهریور اعلام کرد این رژیم حاضر به پذیرش حضور مجدد آمریکا در توافق هسته‌ای با ایران است.
اگرچه نمی‌توان حادثه تونل آزادی را مستقیماً عامل این موضع‌گیری دانست اما می‌توان آن را در راستای سلسله اتفاقات بعد از جنگ سیف‌القدس (اردیبهشت ۱۴۰۰) برشمرد که تصمیم‌گیری رژیم صهیونیستی را با اختلالات جدی روبه‌رو ساخته است.